فصلنامه علمی – ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره یازدهم، تابستان ۱۳۹۴- صفحه ۵۳ - ۸۲

اخلاق در اقتصاد اسلامی و قانون جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۶/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۷/۱۷

مهدی صفدری*
مریم جفره**

چکیده

با شکل گیری نظام جمهوری اسلامی ایران، تدوین قانون در عرصه های مختلف اعم از اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حقوقی جهت تعیین نوع خاصی از رفتار و عملکرد بشر در روابط اجتماعی بین افراد ضروری به نظر می رسد، چرا که هدف از برقراری قانون در هر نظامی تحقق نظم و امنیت در جامعه است. رعایت اخلاق و موازین اخلاقی نیز از یک طرف می تواند در حفظ ارزش های یک جامعه مؤثر باشد و از طرف دیگر رعایت آن می تواند منجر به احساس مسؤولیت اجتماعی در میان افراد شود.

رفتارهای اقتصادی هر فرد، بستگی به اخلاق و عقاید و در نهایت عملکرد وی دارد، و وقتی بر این رفتارهای اقتصادی قوانینی وضع شود، همه افراد در برقراری روابط اجتماعی تابع آن خواهند شد و خود را ملزم به رعایت آن می کنند. رفتارهای اقتصادی انسان بر مبنای قانون متکی بر ارزش های اسلامی می تواند منجر به رعایت اصول اخلاقی در انسان شود، از آنجا که اخلاق انسان از درون وی سرچشمه می گیرد لذا این ارزشهای اخلاقی از جمله عدالت، انصاف، آزادی و ... می تواند در اخلاق اقتصادی فرد تأثیر گذار باشد. اخلاق پیش زمینه هر فعالیت اقتصادی است، چرا که مبادلات روزمره با رعایت اخلاق و اهمیت قرار دادن این مهم در زندگی اجتماعی هدف اصلی هر جامعه تلقی می شود.

توجه به مفهوم اخلاق و ورود آن به مباحث اقتصاد و سپس التزام انتقال آن به فضای قانون می تواند سرآمدی بر قوانین جهان باشد. مقاله حاضر ضمن بیان ارتباط اخلاق و اقتصاد و اخلاق اقتصادی، به بررسی مفهوم اخلاق در قوانین جمهوری اسلامی ایران اعم از قانون اساسی، قانون کار و قانون مجازات های اسلامی می پردازد. در قوانین کار و مجازات اسلامی به واژه اخلاق صراحتاً اشاره شده است و در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز توجه به اصول و ارزش های اخلاقی مشاهده می شود.

روش تحقیق در این مقاله توصیفی و تحلیلی است. در این مقاله هدف بررسی واژه اخلاق در مواضع اقتصاد، سیاست و قانون در راستای کارآیی نظام جمهوری اسلامی ایران است.

واژگان کلیدی: *اخلاق، اقتصاد اسلامی، اخلاق اقتصادی، اخلاق در قانون، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.*
طبقه‌بندی JEL: *K0, K10, K19*

* دانشیار دانشگاه قم mahdalis@eco.usb.ac.ir
** کارشناسی ارشد دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول) mjofreh@yahoo.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

مقدمه

به نظر بیشتر اقتصاددانان، انسان یک موجود پیچیده با ابعاد روانی، اخلاقی، اجتماعی و فردی است که در حوزه اقتصاد نمی توان از آن‌چشم پوشی کرد. امروزه مطالعات بسیاری در حوزه اقتصاد اسلامی و خصوصاً اخلاق توسط اندیشمندان جهان اسلام صورت گرفته است. تعاریف بسیاری از جانب اقتصاددانان در زمینه اقتصاد اسلامی عنوان و مطرح شده است، که در اینجا به یکی از این تعاریف می پردازیم:

"اقتصاد اسلامی مجموعه ای از قوانین، نظریات، نهادها و الگوهای مورد قبول شریعت است که در رابطه با مسائل تولید، توزیع و مصرف ارائه شده و در همه آنها تأمین عدالت اقتصادی تعقیب می شود (کرمی و نبی پور، ۱۳۸۵: ۱۳).

با توجه به تعریفی که از اقتصاد اسلامی ارائه شد، هدف از اقتصاد اسلامی رعایت قانون و مواضع آن در مسائل اقتصادی می باشد، و از طرفی در این تعریف به واژه نهاد اشاره دارد که به تعریفی از آن می‌پردازیم:

نهاد بر اساس دیدگاه لین و ناگنت [1](۱۹۹۵)، مجموعه ای از قواعد رفتاری تدوین شده توسط بشر و حاکم بر اشکال کنش های متقابل بشری اند. همچنین نهادها می توانند مواردی از قبیل: قانون اساسی، قراردادهای نوشته شده، بازار معاملات، سازمان قانونی و موارد غیر رسمی مانند ارزشهای مشترک، هنجارها، سنن، اخلاقیات وایدئولوژی را شامل شوند.

با توجه به تعاریف بالا می توان ارتباطی میان اقتصاد اسلامی، اخلاق و حتی قانون یافت که البته تأکید ما در این تعریف بیشتر در مقوله بحث اخلاق در اقتصاد اسلامی می باشد.

یکی از زمینه ها برای ظهور و بروز اقتصاد اسلامی در صحنه عمل، ظرفیت ایجاد یک اقتصاد اخلاقی است. به عقیده گروهی از اقتصاددانان برجسته، یکی از دشواری‌های قرن بیستم جدا شدن اخلاق از اقتصاد است که خود باعث ایجاد ناکارآمدی زیادی در پارادایم مسلط اقتصاد متعارف شده است. برخی از اندیشمندان عقیده دارند که اقتصاد اصولاً از اخلاق تولید شده و تداوم آن نیز به همراه اخلاق کارساز خواهد بود (سن، ۱۹۹۴ و دادگر، ۱۳۸۳ :۱۱).

آدام اسمیت[2] که به پدر علم اقتصاد شهرت دارد، اولین زمینه های تدوین اقتصاد را با کتاب نظریه عواطف اخلاقی آغاز کرد (اسمیت، ۲۰۰۲). در دهه اول قرن ۲۱ توجه جدی به اقتصاد اخلاقی شکل گرفت (کاسلوسکی[3]،۲۰۰۱).از سوی دیگر اقتصاد دینی و اسلامی بیشترین

1. Lin H. and F. Nugent (1995).
2. Smith (2002).
3. Koslowski (2001).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

ظرفیت اخلاقی را در خود دارد، چون بنیانگذار این دین یعنی "پیامبر اسلام"، به گونه ای بر اخلاق تکیه دارد که گویی هدف وی تحقق اخلاق بوده است: «انی بعثت لا تمم مکارم الاخلاق». از این رو، طراحی و اجرای یک اقتصاد اخلاقی، هم در کشورهای اسلامی پذیرش ملی دارد و هم، در صورت سامان دهی الگوهای استانداردی از آن، کاربرد بین الملل خواهد داشت (دادگر، ۱۱:۱۳۸۳). اخلاق اقتصادی مجموعه ای از صفات و رفتارهایی است که به منظور دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و مطلوب، سالم سازی فعالیت های اقتصادی و مصرف بهینه است و فرد مسلمان در پرتو اعتقادات دینی، خود را ملزَم به انجام یا ترک آنها می داند (جعفری، ۱۳۹۰).

رعایت اخلاق در اقتصاد می تواند منجر به برقراری بسیاری از اصول و ارزش های اخلاقی از جمله عدالت، انصاف، مساوات، حتی پیشرفت در جامعه و ... شود. لذا، هر جامعه ای برای برقراری ثبات نیاز به ضوابط و قوانین اخلاقی دارد و در صورت عدم برقراری این قوانین منجر به گسستگی پیوند میان افراد جامعه خواهد شد. قانون در هرکشور باید برپایه عدالت و موازین ارزش های اخلاقی باشد چرا که پس از اجرای چنین قانونی قسط و عدل در جامعه محقق می شود. پیوند اقتصاد و قانون در اصول مختلف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بخصوص در اصل ۴۳ قانون اساسی مشاهده می شود. در اصل ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به رفع نیازهای حیاتی مادی و معنوی، اشتغال کامل درچهارچوب برنامه ریزی، شرایط اشتغال، توسعه، پیشرفت و عدم وابستگی تأکید شده است.

در این مقاله هدف ما بررسی اخلاق در اقتصاد اسلامی و قوانین جمهوری اسلامی ایران است، در این راستا اصول قانون اساسی که با اخلاق در ارتباط است و همچنین قوانین دیگری ازجمله قانون کار و قانون مجازات اسلامی را مورد بررسی قرار داده که ورود اخلاق را به این نهادها بررسی می کنیم. علت انتخاب این قوانین از جمله قانون اساسی، قانون کار و قانون مجازات اسلامی بر دلایل زیر استوار است:

۱- اخلاق را در حوزه فعالیت های اقتصادی کسب و کار بررسی کنیم.

۲- اخلاق را در حوزه حقوق و همچنین نحوه برخورد با مجرمان بررسی کنیم.

۳- اخلاق را در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار دهیم.

در ادامه به بررسی کارهای انجام شده در زمینه اخلاق و اقتصاد و سپس به بررسی مفاهیمی چون اخلاق و اقتصاد، اخلاق در اقتصاد اسلامی، اخلاق در قانون و قوانین جمهوری اسلامی ایران و در نهایت به بررسی ارتباط اخلاق، اقتصاد و قانون می پردازیم

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

۱. پیشینه تحقیق

پژوهش های بسیاری در زمینه اخلاق، اقتصاد و قانون انجام شده که در این قسمت به آن اشاره می کنیم.

ساسانفر[۱] با توجه به پژوهش خود در زمینه ارتباط "اخلاق و قانون" اشاره دارد که ریشه قضاوت ها و روش های اخلاقی عوامل مختلفی هستند که مهمترین آنها محیط تربیت، وضع اقتصادی و چگونگی طرز تفکر افراد است. نتایج پژوهش ایشان این است که ضابطه و ملاک تنظیم روابط اجتماعی دائماً درحال تغییر است و این قوانین طبیعی جبری و لایتغیر و عمومی نیست و قوانین اجتماعی باید بر دوپایه شرایط زمانی و مکانی استوار باشد.

فرزانه [۲](۱۳۷۸)، نیز در پژوهش خود تحت عنوان "از اخلاق افلاطون تا اخلاق و اقتصاد کنونی ما"، اخلاق را همان سازگاری ساختاری جامعه که از آن می توان یک مدل علمی جامع ساخت و موتور آن را در جامعه به راه انداخت، عنوان و اشاره می کند که درشرایطی که اعضای ساختاری جامعه ما ذاتاً معیوب و مفلوج است و جامعه از ضعف شدید اخلاقی رنج می برد، نمی توانیم دغدغه های مادی و معنوی موجود را مرتفع کنیم.

معصومی نیا (۱۳۸۶)، در مقاله خود تحت عنوان "اخلاق اقتصادی (مبانی بینشی،آموزه‌ها و آثار)"، معتقد است که آموزه های اخلاقی نه تنها مانع شکوفایی اقتصاد نیست بلکه آحاد جامعه را از درون می سازد تا آنجا که خودشان منافع شخصی را درجهت منافع عموم سامان می دهند که با این کار به سعادت و کمال می رسند، و با کار و کوشش جدی باعث رشد اقتصادی می شوند، و کسانی که از درآمد مکفی برخوردارنیستند بهره مند می سازد و منافع اجتماعی را حداکثر می کند. در این مقاله سیر اجمالی اخلاق و اقتصاد در غرب و عمده ترین مبانی بینشی اخلاق اقتصادی اسلام بررسی شده و نتایج حاکی از آن است که آموزه های اخلاقی می توانند با کمترین هزینه و مطلوب ترین وجه بین انگیزه های شخصی و منافع عمومی هماهنگی پدید آورند.

مصطفوی (۱۳۸۹)، به بررسی"اقتصاد، توسعه و اخلاق با آموزه‌های اسلامی" پرداخت. در این مقاله با استفاده از روش‌های توصیفی - تحلیلی به اصلی‌ترین چالش‌های توسعه از دیدگاه دنیس گولت پرداخته شده است. که مهم ترین آنها تحت الشعاع قرار گرفتن محیط زیست، عدالت و یکپارچگی اجتماعی است و آموزه های اسلامی را در این سه زمینه مهم اریابی کرده

۱. ساسانفر، عباس، ارتباط اخلاق و قانون، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، صص ۷۱-۶۸.
۲. فرزانه، حسن (۱۳۷۸)، از اخلاق افلاطون تا اخلاق و اقتصاد کنونی ما، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

است. همچنین در این مقاله سیراندیشه های اقتصادی و اقتصاد توسعه در ارتباط با اخلاق بررسی شده است و به آسیب هایی مانند فردگرایی مفرط، دوری از عدالت، گسترش فقر و تخریب محیط زیست اشاره دارد و عکس العمل آنها به صورت بازگشت مجدد به اخلاق و نیز پیدایش و گسترش بحث سرمایه اجتماعی تجلی یافت.

موسوی و همکاران (۱۳۹۰)، به بررسی"اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن" پرداختند، بر اساس این مقاله، اخلاق اقتصادی بخشی از آموزه های اسلامی است که از یک سو، مؤلفه های رشد و توسعه اقتصادی و رفاه عمومی را ارائه می کند و از سوی دیگر، شیوه ها و عناصر مقابله با مفاسد و سالم سازی فعالیت های اقتصادی را مورد توجه قرار داده و بستر لازم را برای رشد معنوی و سعادت ابدی انسان فراهم می سازد. در این نوشتار، پس از اثبات رابطه اخلاق با اقتصاد و نقد مبانی سرمایه داری، مبنی بر جدایی آن دو، مهم ترین عناصر اخلاق اقتصادی را در سه بخش فروش، توزیع و تولید مورد بررسی قرار داده است.

صفایی (۱۳۹۰)، در مقاله ای تحت عنوان "اخلاق اسلامی لازمه پیشرفت اقتصادی"، که در حیطه این مقاله بحث اقتصاد اخلاقی، برخی موضوعات اخلاقی مانند شکرگزاری، توکل و قناعت را بررسی نموده و در این راستا در بخش هایی از مقاله به کلیاتی درباره تعریف اقتصاد، ارتباط بین اسلام و اقتصاد، اخلاق و اقتصاد، اهمیت اخلاق در اقتصاد پرداخته است. در این مقاله عنوان شده که یکی از اساسی ترین مساله ای که اقتصاددانان به طور اعم، و اقتصاددانان توسعه به طور اخص با آن روبه رو هستند، مبحث ترکیب کردن اقتصاد با مجموعه ای از هنجارهای اخلاقی است.

جعفری (۱۳۹۰)، در مقالهای تحت عنوان "اخلاق کار و اقتصاد از دیدگاه قرآن و احادیث"، به مطالعه اخلاق کار و جایگاه کار در اسلام و همچنین اخلاق اقتصادی و نقش آن از نظر قرآن و حدیث در توسعه اقتصادی پرداخته است و نتایج مطالعه نشان می دهد که، عناصر اخلاقی کار و تولید در آموزه های دینی بسیار گسترده است و تحقّق عینی این عناصر، از یکسو، زمینه ساز گسترش و بهینه سازی فعالیت های تولیدی و در نتیجه رشد اقتصادی است و از سوی دیگر، ضمن جهت دهی به فعالیت ها و سرمایه گذاری ها، سالم سازی آنها را موجب می شود.

صادقی نیری و حافظی (۱۳۹۰)، "اخلاق جهاد اقتصادی اسلامی در دانشگاه" را بررسی نمودند و در این نوشتار آسیب های اخلاق اقتصادی در جامعه دانشگاه و اصول اخلاق اقتصادی پرسنل و اصول مدیریتی مناسب اسلامی بررسی شده است. همچنین در این مقاله آمده است که جمعیت دانشگاهی هر کشور نقش بسزایی در تولید علم و نیز در تربیت نیروهای متعهد

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

جامعه دارد، و بدیهی است اگر در محیط دانشگاه که مهد تربیت مدیران آینده کشور است، اصول و موازین در زمینه های مختلف رعایت نشود، هیچگاه مدیران کارآمدی تربیت نخواهد شد.

وصالی و امیدی (۱۳۹۱)، به بررسی ارتباط "اخلاق، اقتصاد و رفاه" پرداختند. این مقاله با وارد کردن رفاه اجتماعی به عنوان یک سازه در تحلیل، بر رویکرد چند فاعلی برای تبیین رابطه اخلاق و اقتصاد تأکید دارد. دراین مقاله ضمن اشاره به اینکه هرکدام از نظریه های گوناگون اخلاق با تأکید بر یکی از عناصر کنش فردیی، جوهره فرد و قوانین و مناسبات حقوقی به تبیین رابطه اخلاق و اقتصاد پرداختند، معتقدند که مداخله دولت برای اخلاقی کردن اقتصاد امری ضروری است و شکل‌گیری و توسعه دولت‌های رفاه و سیاست های رفاهی در این راستا تحلیل می شود.

دلاور (۱۳۹۱)، اخلاق اقتصادی در پرتو قرآن و عترت را بررسی نمود و بر اساس این مطالعه اشاره دارد که، نظام اقتصادی اسلام که در قالب آیات و روایات و ساز و کارهای حکومتی پیامبر اکرم (ص) وامام علی (ع) و سایر معصومین (ع) ارائه شده، در برگیرنده بسیاری از نشانه‌ها و راهکارهای قابل تعمیم در حوزه اقتصادی است که می‌تواند حرکت در راستای مصرف صحیح و رشد اقتصادی و بالندگی اجتماع اسلامی را رقم بزند.

سوحیب[1] در پژوهش خود در زمینه "اخلاق تجاری در اسلام و چشم انداز اقتصاد"[2]، اثر اخلاق تجاری بر توسعه اقتصادی جوامع مسلمان را بررسی نمود. این مطالعه بر پایه تعالیم قرآن، سنت، فقه و اقتصاد و دیگر منابع استفاده و رفتار تاجران مسلمان بررسی شد و بر اساس این مقاله بنگاه اقتصادی اجازه ندارد به کالاهای غیر قانونی دست یابد چرا که این عمل بی عدالتی است و خلاف دستورات خداوند است.

لنینگ[3] (۱۹۹۷)، به پژوهش پیرامون "اخلاق و قانون " پرداخت. ماهیت این بحث به علم حقوق و وکالت ارتباط دارد. در این مقاله آمده است که دستورالعمل اخلاق حرفه ای، پایه ای برای اخلاق کاربردی و توانایی به انتقاد و رعایت اصول اخلاقی لازم و حیاتی است.

شپارت[4]، استاد دانشکده حقوق دانشگاه آرکانساس[5] در مقاله خود تحت عنوان "قانون، اخلاق وعدالت" می نویسد: اخلاق و قانون هر دو یک قاعده هستند و یا هردو پایه های اساسی

1. Suahib
2. economic perspective
3. Lanninig
4. Sheppart
5. Arkansas

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

برای انجام کاری هستند، اگر چه در منبع اصلی تفاوت وجود دارد، در زمینه اخلاق تضادها و اختلاف نظرهای زیادی میان فلاسفه مطرح است، که درک هر فرد را از مفهوم اخلاق نشان می دهد. زمینه مشترک موافقت این است که چه اخلاقی در شرایط عمومی بین اشخاص نیاز است و همچنین دیدگاه کلی در زمینه اخلاق این است که اخلاق خواسته هر شخص است، اما باز هم توافق اندکی در وجود دارد، و دلیل اول آن است که: موافقت در مناقشات میان تعدادی از افراد که باور دارند، ملاحظات اخلاقی در ماهیت دنیوی یا بشری و اینها ملاحظاتی واقعی و تغییر ناپذیر است، اغلب قوی هستند، تعدادی از مردم نیز باور دارند که اخلاق چیزی بیشتر از آن است و یک رابطه گرم اجتماعی که به طور صحیح میان فرهنگ ها یا انجمن های مختلف هست، نمی باشد. تعدادی از مردم پذیرفتند که اخلاق تنها به عنوان محدودیت، قید، سبقت جویی (رقابت) بشر است و دیگران نیز ادعا کردند که اخلاق در عقاید مذهبی ریشه دارد.

جلیل (۲۰۱۲)[1]، در مقاله خود تحت عنوان "اخلاق فرار از مالیات، چشم انداز اسلامی" می نویسد؛ ساختار مالیاتی، سیستم مالیاتی و سیاست های مالیاتی از مهم ترین عوامل اثرگذار بر امور اقتصادی و اجتماعی هر جامعه است. نکته اصلی مقاله این است که با وجود اینکه وقتی هر جا، افراد مختلف از دادن مالیات فرار می کنند، رفتار آنها تعیین کننده اخلاق آنها، و آن چیزی که تعیین کننده این ارتباط است درجه فرهنگ، طرز فکر و عقاید آنها در زمینه مالیات گریزی است و همچنین در همه جوامع فرار مالیات غیر قانونی است.

۲. اخلاق و اقتصاد

در جهان باستان یعنی در دوران یونان و روم قدیم، اقتصاد از فلسفه و اخلاقیات جدا نبود و از نظر روش بررسی، اقتصاد جزئی از فلسفه سیاسی همراه با موازین اخلاقی و اجتماعی تلقی می شد. در قرون وسطی نیز اقتصاد مانند سایر علوم اجتماعی از مذهب و معیارهای ارزشی جدا نبود. فلسفه قرون وسطی و از جمله دیدگاه های سنت توماس آکویناس،[2] فیلسوف، متفکر و متکلم مسیحی قرن ۱۳، اقتصاد را به عنوان یک درس اخلاقی (اخلاقیات مذهب کاتولیک) معرفی می کند و معتقد است که هرگاه افراد هر جامعه، اقتصاد را مطابق با دستورات مذهب کاتولیک‌ها اداره کنند، در آخرت و زندگی ابدی رستگار خواهند شد (تفضلی، ۱۵:۱۳۸۸).

افلاطون، پایه اخلاق را برعدالت قرار داده و عدالت را مساوی با زیبایی می داند و عدالت را

1. jalil (2012).
2. Saint Thomas Aquinas

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

هماهنگی اجزا با کل گفته است.[۱]

«اخلاق در لغت جمع خلق می‌باشد، به معنای خوی، طبع، سجیه وعادت است».[۲]

شاید ساده ترین و کلی ترین تعریفی که بتوان به اخلاق نسبت داد این باشد که:

«اخلاق استعدادی است که نسبت به خوب و بد امور و اشیاء قضاوت می کند».[۳]

امام محمد غزالی (۱۹۹۵)[۴]، به نقل از دکترعبدالکریم زیدان در زمینه اخلاق می‌گوید: اخلاق، مجموعه ای از معانی و ویژگی های مستقر و ثابت در نهان انسان است که در پرتو آن، رفتار در نظرش نیک یا زشت نشان داده می شود و از این رو، فرد یا به انجام آن اقدام می نماید، یا از انجام آن خودداری می ورزد.

علم اقتصاد در بررسی‌های خود دارای دو بعد اساسی است: اقتصاد اثباتی و اقتصاد دستوری یا هنجاری. اقتصاد اثباتی درباره آنچه هست یا به وجود می آید، صحبت می کند و از این رو به وظایف نظری نظام اقتصادی و بررسی اثرات آن بر متغیرهای اقتصادی می پردازد. بنابراین، اقتصاد اثباتی در قالب نظریه های اقتصادی، واقعیت های اقتصادی را توصیف و پیش بینی می کند. اقتصاد دستوری مطالعه سیاستهای اقتصادی است. اکثر اقتصاددانان معاصر معتقدند که علم اقتصاد هم مطالعه اقتصاد اثباتی و هم دستوری است. هر گاه اقتصاد اثباتی در جامعه نتیجه مطلوب به دست ندهد، اقتصاد دستوری باید با طرح سیاستهای اقتصادی مناسب حصول نتیجه مورد نظر را ممکن سازد، برای طرح سیاستهای اقتصادی معمولاً قضاوت‌های ارزشی و شخصی به کار می رود. از این رو، این قسمت از علم اقتصاد ممکن است مانند اقتصاد اثباتی جنبه علمی نداشته باشد، زیرا در آزمون علمی هیچگاه معیارهای ارزشی و اخلاقی افراد که در طرح سیاست های اقتصادی به کار می رود، از نظر آماری قابل سنجش نیست، نتیجتاً اقتصاد دستوری به طور کلی جنبه ارزشی و ذهنی دارد (تفضلی، ۹:۱۳۷۸).

مطالعه تاریخ علم اقتصاد نشان می دهد، این علم در بستر اخلاق متولد و بالنده شده است و بزرگان این دانش چون آدام اسمیت، استوارت میل، مالتوس و حتی مارشال اقتصاد را در جهت آموزه های اخلاقی می دیدند و بر تعالیمی چون عدالت، خیر خواهی، اصلاح مشکلات مردم، تعادل ثروت ها و درآمدها اصرار داشتند. از زمان مارشال به بعد به واسطه غلبه اندیشه اثبات گرایی، بین اقتصاد و اخلاق فاصله افتاد و به اعتقاد برخی صاحب نظران دانش اقتصاد دچار فقر

---

۱. سلسله درس های استاد شهید مرتضی مطهری در باب اخلاق، پژوهشگاه علوم انسانی.
۲. عمید، ۱۳۷۷ :۱۳۱.
۳. ساسانفر، ارتباط اخلاق و حقوق: ۶۸.
۴. فیلسوف متکلم و فقیه ایرانی سده پنجم هجری ملقب به حجت الاسلام زین الدین طوسی.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

بنیادی شد. آمارتیاسن برنده جایزه نوبل اقتصاد (۱۹۹۸)، معتقد است: تأمل متفکران اقتصاد می تواند دانش اقتصاد را از انحراف نجات داده، آن را در عین حال که یک علم ریاضی است با اخلاق ترکیب کرد.[۱] به تعبیر برخی از صاحب نظران، رشد اخلاق و مهندسی در تئوری اولیه اقتصاد به صورت طبیعی و همزمان بوده، اما در اقتصاد ارتدکس نئوکلاسیک، بعد مهندسی گسترش فوق العاده ای یافته است. پرفسور آمارتیاسن تصریح می کند که اقتصاد برای مدت مدیدی شعبه ای از اخلاق محسوب می شد، ولی وقتی لیونل رابینز گفت که اخلاق و اقتصاد تنها در شکل، نوعی ارتباط دارند مسأله عوض شد. موضع رابینز یعنی "ترسیم پیوند اخلاق و اقتصاد"، گرچه در حال حاضر مرسوم است، اما آن زمان رایج نبود. پرفسور سن اضافه می کند که هر چند مطالعه اقتصاد با جستجوی ثروت در ارتباط است اما در مرحله ای عمیق تر با اهداف اساسی تری نیز پیوند داد. در عین حال زندگی مبتنی بر ثروت اندوزی به صورت جبری بر ما تحمیل شده است (سن، ۱۳۷۷).[۲]

آمارتیاسن همچنین در زمینه ارتباط میان اخلاق و اقتصاد معتقد است که: «حال اگر رفتار واقعی انسانها تحت تأثیر ملاحظات اخلاقی قرار گیرند، آنگاه واضح است که ملاحظه‌های مربوط به اقتصاد رفاه باید تأثیری بر رفتار واقعی داشته باشند و در نتیجه اقتصاد پیش بین نیز موضوعیت پیدا کند، درواقع اگر ملاحظه های اخلاقی هیچگاه رفتار واقعی انسانها را متاثر نمی کرد، بذل عنایت به مبحث اخلاق کاری عبث می بود» (معصومی نیا، ۱۳۸۶: ۱۲۰).

نظریات گذشته در زمینه اخلاق و اقتصاد تنها برای مبادلات و معاملات ساده صادق است و نمی تواند در روابط پیچیده اقتصادی عملی شود. تأثیر اخلاق بر اقتصاد و ضرورت های ارزش های اخلاقی برای دستیابی به جامعه ای توسعه یافته امروزی بر اساس سخنان ارزشمند اقتصاددان بزرگ آمارتیاسن و محققان نشان می دهد که با پیچیده شدن معاملات و مبادلات، نفع طلبی و سودجویی های شخصی رفته رفته در جامعه امروز ما رو به گسترش است و سودجویی ها و فرصت طلبی ها در مبادلات و روابط اقتصادی پیچیده نمی تواند به منزله عامل هماهنگی وانسجام جامعه عمل کند و لذا گسترش مفهوم اخلاق همان طور که گذشتگان ما به آن اهمیت می دادند در خور توجه است. با عنایت به پیوند ناگسستنی اخلاق و اقتصاد و با توجه به تعاریف بیان شده باید به اهمیت این واژه توجه اساسی داشت چرا که اخلاق در کارهای روزمره اعم از اقتصادی و غیر اقتصادی شاید بتواند جامعه امروز ما را به سمت توسعه و

۱. ا. لوی، جیمز، "تاریخچه ای از علم اقتصاد در جایگاه علمی اخلاقی"، مترجم علی نعمتی.
۲. دادگر، ۱۳۸۴ :۱۷.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

پیشرفت بیشتر هدایت کند و توجه به اخـلاق در اقتصـاد و آمـوزش ایـن موضـوع در دوره‌هـای دانشگاهی و غیر دانشگاهی بتواند تأثیر زیادی بر زندگی داشته باشد.

۳. اخلاق در اقتصاد اسلامی

اسلام دو پیوند با اقتصاد دارد: مستقیم و غیر مستقیم. پیوند مسـتقیم اسـلام بـا اقتصـاد از آن جهـت است که مستقیماً یک سلسله مقررات اقتصادی درباره مالکیت، مبـادلات، مالیـات‌هـا، ارث، صـدقات، وقف، مجازات‌هایی در زمینه ثروت و غیره دارد. پیوند غیر مستقیم اسلام بـا اقتصـاد از طریـق اخـلاق است. در این جهت برخی مذاهب دیگر نیز کم و بیش چنین می باشند. اسـلام مـردم را توصـیه مـی کند به امانت، عفت، عدالت، احسان، ایثار، منع دزدی، خیانـت و رشـوه. همـه اینهـا در زمینـه ثـروت است و یا قسمتی از قلمرو این مفاهیم، ثروت است. تا حدود مسـائل اقتصـادی روشـن نشـود، حـدود عدالت و امانت و عفت و احسان و همچنین حدود دزدی و خیانت و رشوه روشن نمی شود (مطهـری، ۱۳۵۸).

در روایات بسیاری از معصومین علیهم السلام، بر کار و به دست آوردن معیشت حلال تأکید شده است و چنانچه افراد از موازین اخلاقی سبقت بگیرند و بدان عمل نکننـد، سـخت نکـوهش می شوند.[۱]

مرحوم کلینی از امام صادق علیه السـلام روایـت کـرده کـه فرمـود: «مـن لـم یهـتمَّ بـأمور المسلمین فلیس مـنهم»: هـرکس شـب را روز کنـد بـدون اینکـه قصـدش رسـیدگی بـه امـور مسلمانان و اصلاح کارهای آنان باشد، مسلمان نیست.

امروزه با توجه به نحوه گسترش اسلام در جهـان، توجـه اندیشـمندان بـه مقـولات اقتصـاد اسلامی جلب شده و فعالیت های چشمگیری خصوصـاً در جهـان عـرب در ایـن زمینـه صـورت گرفته است. پیش از آنکه به بررسـی مفهـوم اخـلاق در اقتصـاد اسـلامی بپـردازیم، تعـاریفی از اقتصاد اسلامی را از دید دانشمندان جهان عرب و دنیای مسیحیت در این زمینه ارائه می دهیم:

خاف (۱۹۸۶)، یکی از اندیشمندان جهان عرب، معتقد است؛ واژه "اقتصاد اسلامی" ممکـن است به عنوان تعریفی از حوزه مطالعاتی که بر پایه مفروضات وجودی قاعـده اسـلام در محـیط اجتماعی، سیاسی، حقوقی و نظامی از ارزش ها و اخلاقیاتی که رفتارهای اقتصادی زن و مـرد را در یک جامعه اسلامی هدایت می کند، تلقی شود. او به اقتصاداسلامی تنها به عنـوان شـاخه ای

۱. الهامی، داوود (۱۳۹۰) ،"الویت اخلاق در اقتصاد اسلامی".

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

از علم اقتصاد که باید در میان زمینه های اقتصاد مانند دیگر نظام ها مورد مطالعه قرار گیرد، اشاره می کند.

احمد (۲۰۰۲)، یکی از اندیشمندان دیگر جهان عرب در مقاله خود، اقتصاد اسلامی را بدین گونه تعریف می کند: "اقتصاد اسلامی به عنوان علمی است که بهترین یا امکان پذیر ترین استفاده از منابع اقتصادی در دسترس را مطالعه می کند که به وسیله خدا اعطا گردیده است، حداکثر کردن تولیدات کالا ها و خدمات حلال که برای عوام مورد نیاز است و توزیع این محصولات براساس چهارچوب شرع و سنت آن است."

نینهاس (۲۰۱۰)[1]، معتقد است، امروزه نظریه اقتصاد اسلامی می تواند به صورت زیر خلاصه گردد:

"اسلام دید مثبتی نسبت به زندگی اجتماعی دارد و پشتیبان ارزش های نظام برای فعالیت های اقتصادی است. اخلاق اقتصاد اسلامی با ادراک مسیحیت در زمینه اخلاق شخصی تفاوت قابل ملاحظه ای دارد چرا که اشخاص انتظار دارند معاش خود را از طریق کار و دسترنج خودشان به دست آوردند. دستیابی به دارایی از طریق کار فیزیکی و ذهنی مهم ترین پایه برای دستیابی به ثروت و کالا است. افراد ثروت را به شکل قانونی به دست می آورند و نباید به دنبال تعقیب خواسته های افراد باشند، خوش گذارانی‌ها روی هم رفته خوب و اسلام طرفدار مدرنیزاسیون و استفاده از منابع مازاد برای اهداف اجتماعی است. قانون اسلامی مالکیت شخصی را به عنوان ابزار تولید مشخص می کند و دولت اقتصاد را کنترل می کند."

افضل زاده نائینی اقتصاد اسلامی را به مثابه یک سیستم اقتصادی اسلام مد نظر قرار داده و اینگونه تعریف می کند: سیستم اقتصادی اسلام خود دارای یک پایگاه فکری است که خود سیستم ما را بدان رهنمون می گردد. این پایگاه محتوای اندیشه های اخلاقی اسلام و اندیشه های علمی اقتصادی یا تاریخی بوده که به مسائل اقتصاد سیاسی و یا تجزیه و تحلیل تاریخ جوامع بشری ارتباط پیدا می کند.[2]

اقتصاد اسلامی زیر مجموعه علوم اجتماعی قرار می گیرد و یک علم تجربی یا طبیعی نخواهد بود و پیوندهای اخلاقی، انسانی و عقیدتی آن بسیار عمیق است. البته بسیاری از قرائت های اقتصاد متعارف نیز- به جز قرائت ارتدکس- جنبه تجربی و طبیعی ندارند و پیوند اخلاقی دارند. برخی از اقتصاددانان تصریح می کنند که همه قرائت های اقتصاد سیاسی جنبه صرف

1. Nienhaus (2010).

۲. اخلاق و اقتصاد اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره) با تأکید بر نظریات امام محمد باقر صدر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

مکانیکی و اقتصادی محض ندارند و به امور اخلاقی، سیاسی و اجتماعی نیز توجه دارند.[۱] بر همین مبناست که برخی از صاحب‌نظران ادعا می کنند که اقتصاد بر خلاف علوم فیزیکی نمی تواند قوانین جهان شمول را ارائه دهد.[۲] بدیهی است همچنین هرگاه ارزشهای اساسی (نه ارزشها و قضاوت های صرفاً شخصی) اقتضا کند، اجزای تئوری اقتصادی تحت تأثیر آن قرار خواهد گرفت. زمانی که گفته می شود فعالیت های مبتنی بر سفته بازی و ربا حرام است، تئوری سفته بازی در اقتصاد اسلامی شکل نمی گیرد، یا وقتی گفته می شود معاملات و مبادلات باید بر مبنای رضایت طرفین معامله باشد، اجزای تئوری مربوط به امور ظلم آور را در برنمی گیرد.[۳] عناصری چون رضایت خدا، شرافت و کرامت انسانی، ترجیح آبروی انسانی بر امور مادی و امثال آن از این قبیل هستند (قرضاوی، ۱۹۹۶).[۴]

رحیم پور ازغدی (۱۳۹۲)، اقتصاد اسلامی، اقتصادی عقلی تجربی به اضافه اخلاق، معنویت، توحید و جهاد است که اردوهای جهادی نیز جهادی مقدس برای نزدیکتر شدن به جامعه اسلامی براساس همین ویژگی های اقتصاد اسلامی است.

هدف از کاربرد تعاریف عنوان شده، تأکید بر مفهوم اخلاق در اقتصاد اسلامی بوده، لذا تعاریفی را انتخاب نموده‌ایم که به این مهم توجه داشته است. با توجه به تعاریف می توان به این نتیجه رسید که، بر اساس دیدگاه عمر چپرا دیگر اندیشمند جهان عرب، اگر اقتصاد اسلامی مجدانه به دنبال وارد کردن نقش ارزشهای اخلاقی به عملکرد اقتصادی باشد، در این صورت نمی تواند از تعیین عوامل مختلفی که بین رفتار ایده آل و واقعی در جوامع بشر فاصله ایجاد می کنند، سر باز زند. همچنین لازم است تلاش کند که روشهای عملی و قابل اجرا را برای تضعیف این عوامل و معکوس نمودن آثار آنان تا حد امکان پیدا کند تا کشورهای اسلامی را قادر سازد که به سمت ایده آل‌های اسلامی جهت گیری بهتر اخلاقی و رفاه و سعادت بیشتر حرکت کنند. لذا تأکید عمده اقتصاددانان اسلامی بر این بوده است که نشان دهند، چگونه وارد کردن ابعاد اخلاقی به اقتصاد تأثیر نامطلوبی بر متغیرهای کلان اقتصادی خواهد گذاشت و - اینکه چگونه به کارگیری زکات و شیوه های تأمین مالی مبتنی بر دارایی موجب حل مشکلات پیچیده اقتصادی خواهد شد (چپرا، ۱۳۸۵:۵۱۳).

با توجه به تعاریف ارائه شده از اقتصاد اسلامی مشاهده می شود که همواره تأکید بر اخلاق

1. Todaro, 2007: 7.
2. Ayres, 1963.

۳. لا تکون تجاره عن تراض منکم، نساء: ۲۹.
۴. دادگر،۱۳۸۴ : ۱۷.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

و ارزش‌های اخلاقی از جمله عدالت، انصاف ونهادهایی ازجمله دولت تصور می شود که می تواند در برقراری این پیوند بسیار مؤثر باشد.

حمدیه (۱۳۸۰)، در نوشته ای از اخلاق اقتصادی امام خمینی (ره) اشاره دارد که اخلاق اقتصادی در اسلام درعین احترام به مالکیت محدود وغیر مخرب برای مردم جامعه در جهت رفاه توده های محروم و رفع محرومیت و فقر زدایی است. اخلاق اقتصادی امام راحل(ره) در طول زندگی پربرکت ایشان بویژه در ایام پس ازپیروزی انقلاب اسلامی که مسؤولیت اصلی جامعه اسلامی را به عهده داشتند مشاهده شد، همان سیره ائمه طاهرین سلام الله علیهم اجمعین، یعنی" تجسم فرهنگ الهی و قرآن در بعد اقتصاد" بود.

توجه به اخلاق و ارزشهای آن در اقتصاد می تواند با به کارگیری ابزارهایی که در اسلام مد نظر است تأثیر گذار باشد. ازابزارهای اقتصادی مد نظر اسلام می توان زکات، خمس، صدقه و ... را نام برد. اهمیت دادن به زکات و خمس یعنی افراد با توجه به اعتقادی که نسبت به آینده و جهان آخرت دارند، دست به انجام کارهای ثواب می زنند که اهمیت دادن به این ابزارها خود نشانی از وجود اخلاق اسلامی و ارزش های آن در وجود فرد است.

۴. اخلاق در قانون

۴-۱. مفهوم قانون و ارتباط آن با اخلاق

شکی نیست که عمل به قرآن و تعالیم معصومین علیهم السلام، می تواند راهنمای کاملی برای بشریت باشد و انسان را به سوی سعادت وخوشبختی کامل هدایت کند. آیات و روایات بسیاری مطرح شده که به مفهوم اخلاق اشاره دارد. در کنار قرآن و تعالیم انبیا و ائمه معصومین علیهم السلام، نوشتن قانون متناسب با فرهنگ و عقاید آن مرز و بوم با تأکید بر کلام الهی، سخنان و روایات معصومین امری ضروری به نظر می رسد.

زندگی همواره نیازمند نظم و انضباط است، اگر هدف رسیدن به مقاصد و اهداف و استفاده بهینه از فرصت ها و توانمندی ها باشد. جامعه بشری از آن زمان که رو به رشد نهاد و زندگی شهری را آغاز کرد برای حل مشکلات فرا رو به قوه ای برای تشخیص و اهرمی برای اجرا نیاز پیدا کرد. این ابزار بعدها "قانون" نام گرفت و قدیمی ترین آن را می توان در "قانون حمورابی" که در حدود ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح در بابل باستان (ناحیه ای در جنوب شرقی عراق) نگاشته و به اجرا در آمده است، سراغ گرفت. قانون را می توان اخلاق جمعی نیز نامید. اصول و ارزش های حسنه آنگاه که در خدمت فرد انسان و تأمین سعادت دنیا و آخرت او درآیند

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

"اخلاق" نامیده می شوند و آنگاه که در خدمت اجتماع و جامعه بشری به کار گرفته شوند "قانون" نام خواهند گرفت.[۱]

قانون در فرهنگ لغت به معنای؛ "اصل و مقیاس چیزی و نیز به معنی دستورها و احکامی که از طرف دولت و مجلس شورای ملی برای حفظ انتظامات و اداره کردن امور وضع شود" (عمید، ۹۶۸:۱۳۷۸).

قانون ضابطه ای است که منجر به تعیین رفتار و عملکرد افراد جامعه در میان روابط اجتماعی و عمومی حاکمان می شود و از آنجا که اخلاق بیشترجنبه شخصی دارد ولی می توان بین اخلاق و قانون ارتباط برقرار کرد؛ چرا که قانون در هر کشور هرگونه اخلاق فردی را که - منجر به جنایت و مشکلات جبران ناپذیرشود، مجازات می کند. قانون باید با اخلاق در ارتباط باشد و بین اخلاق و قانون پیوند ناگسستنی وجود دارد و تضادی بین این دو در قوانین جمهوری اسلامی ایران دیده نمی شود.

عده ای قانون را در مفهوم حقوقی کلمه، مجموعه مقررات و نظامات برای تنظیم روابط مردم و حل اختلافات دانسته که به وسیله قوه مقننه وضع می شود و اجرای آن به وسیله قوه مجریه تضمین می گردد.[۲] اگر قانون با اخلاق در ارتباط نباشد، دیگر ارزش خود را میان افراد از دست می دهد و بر اساس دیدگاه علی محمد طباطبایی در مجله شماره ۳۱ کانون وکلا در ارتباط با اخلاق و قانون با دید حقوقی‌خود می‌نویسد: قانونی که با اخلاق در تضاد باشد آن قانون، قانون دموکراسی نیست بلکه دستورهای شخصی است که ارزش اجتماعی ندارد.

اگر اخلاق را امری ذومراتب بدانیم، پایین ترین مرتبه آن را که مرز میان رفتار ضد اخلاقی و رفتار اخلاقی است، می توان چنین تعریف کرد: مسؤولیت پذیری شخصی در قبال حقوق طرف ارتباط در رفتار ارتباطی.

کاتوزیان دو کاربرد عام و خاص قانون را متمایز می کند: در منابع حقوقی، قانون در برابر عرف، کاربرد عام و واژه و مقصود از آن همه مقرراتی است که از سوی یک سازمان دولتی وضع می شود، خواه مقننه باشد یا رئیس دولت یا یکی از اعضای قوه مجریه. اما در حقوق اساسی، مراد از قانون قواعدی است که یا با تشریفات مقرر در قانون اساسی از طرف مجلس شورای اسلامی (قوه مقننه) و یا از طریق همه پرسی مستقیم به تصویب می رسد.[۳]

---

۱. مجله اینترنتی سوتک: www.sootak.ir
۲. واحدی، مقدمه علم حقوق، ص ۱۲۰.
۳. کاتوزیان، مقدمه علم حقوق، صص ۱۲۱-۱۲۰.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

۲-۴. شباهت اخلاق با قانون

قراملکی (۱۳۸۷)، اشتراکاتی را بین اخلاق و قانون در نظر گرفته است:

۱- هر دو مربوط به ارتباط انسانی هستند.

۲- هر دو مبین مسؤولیت فردی، سازمان دارای رفتار ارتباطی، در قبال طرف ارتباط اند.

۳- هر دو به حقوق معطوف می شوند.

۴- قانون و اخلاق به نحوی از حقوق انسانها و آنچه به انسان مرتبط است ،حمایت می کند.

۵- این دو در حمایت از حقوق صاحبان حق، مسؤولیت و الزام را به میان می آورند، منجر به سامان دادن به زندگی افراد می شوند، به کنترل و پیشگیری از واکنش های هیجانی و تنظیم رفتار ارتباطی بر اساس واکنش های هوشمندانه و مسؤولیت پذیر سوق می دهند. انسان فراتر از حیوانات علاوه بر دو واکنش هیجانی گریز و ستیز، می تواند واکنش هوشمندانه و مسؤولیت پذیر داشته باشد که این مواضع نشان دهنده بستر مشترک اخلاق و قانون در زندگی انسانی است.

۶- قانون را می توان اخلاق جمعی نیز نامید، اصول و ارزش های حسنه آنگاه که در خدمت انسان و تأمین سعادت دنیا و آخرت او درآیند "اخلاق" نامیده می شوند وآنگاه که در خدمت اجتماع و جامعه بشری به کار گرفته شوند "قانون" نام خواهند گرفت.[۱]

با توجه به شباهت های عنوان شده می توان تفاوت هایی هم برای این دو مقوله در نظر گرفت:

۱- اخلاق از درون شخص سرچشمه می گیرد.

۲- اخلاق مانند قانون نوشته شده نیست و هر شخص بسته به عقاید خود تصمیم می گیرد چگونه رفتار کند.

۳- قانون در میان همه افراد مشترک است ولی اخلاقی که از هر فرد سر می زند، ریشه در محیط، آداب و رسوم و اعتقاداتش دارد.

به طور کلی می توان علی رغم تفاوت هایی، ارتباطاتی را بین اخلاق و قانون مد نظر قرار داد و این را در کنار هم دید. در ادامه به بررسی مقوله اخلاق در قوانین جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر قانون اساسی، کار و مجازات اسلامی می پردازیم.

۵ . اخلاق در قوانین جمهوری اسلامی ایران

با توجه به توضیحات ارائه شده در قسمت ۴ این مقاله، می توان به این نتیجه رسید که پیوند

۱. مجله اینترنتی سوتک: www. sootak.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

بین اخلاق و قانون وجود دارد. از آنجا که مقصود اصلی ما، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است، اخلاق را در زمینه کسب و کار (قانون کار) و همچنین نحوه برخورد با مجرمان (قانون مجازات اسلامی) بررسی کنیم. قبل از بررسی مفهوم اخلاق در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به معرفی ماده ۸۴ قانون کار و ماده های ۴۳، ۵۸ و ۸۸ قانون مجازات اسلامی و توجه این دو قانون به مفهوم اخلاق می پردازیم:

۱-۵.- اخلاق در قانون کار و قانون مجازات اسلامی

ماده ۸۴ قانون کار جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۲۹ آبان سال ۱۳۶۹)[۱]

در مشاغل و کارهایی که به‌علت ماهیت آن با شرایطی که در آن انجام می شود، برای سلامتی یا اخلاق کارآموزان زیان آور است، حداقل سن کار ۱۸ سال تمام خواهد بود. تشخیص این امر با وزارت کار و امور اجتماعی است.

ملاحظه می شود هدف از اخلاق در این ماده از قانون کار، سلامتی روح و روان می باشد و در این قانون برای افرادی که متقاضی کار هستند، سن خاصی مد نظر قرار گرفته شده و با توجه به آنچه در این ماده عنوان گردیده، اخلاق و سلامتی روان بسیار مورد توجه قرار گرفته است.

ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی (مصویب ۷ آذر سال ۱۳۷۰):[۲]

در تعویق مراقبتی، دادگاه صادرکننده قرار می تواند با توجه به جرم ارتکابی و خصوصیات مرتکب و شرایط زندگی او به نحوی که در زندگی وی یا خانواده‌اش اختلال اساسی و عمده ایجاد نکند، مرتکب را به اجرای یک یا چند مورد از دستورهای زیر در مدت تعویق، ملزم نماید:

الف- حرفه آموزی یا اشتغال به حرف خاص.

ب- اقامت یا عدم اقامت در مکان معین.

پ- درمان بیماری یا ترک اعتیاد.

ت- پرداخت نفقه افراد واجب النفقه.

ث- خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری.

ج- خودداری از فعالیت حرف مرتبط با جرم ارتکابی یا استفاده از وسایل مؤثر درآن.

---

۱. منصور، جهانگیر (۱۳۹۲)، قانون کار جمهوری اسلامی ایران، دفتر اول، فصل سوم (شرایط کار)، مبحث پنجم (شرایط کار نوجوانان) ، ماده ۸۴ .

۲. منصور، جهانگیر (۱۳۹۲)، قانون جدید مجازات اسلامی، کتاب اول.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

چ- خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکا یا معاونان جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه دیده به تشخیص دادگاه.

ح- گذراندن دوره یا دوره‌های خاص آموزش و یادگیری مهارتهای اساسی زندگی یا شرکت در دوره‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی.

واژه اخلاق در این ماده از قانون مجازات اسلامی تنها در جهت گذراندن دوره هایی که مهارتهای لازم را در زمینه اخلاق، مذهب و ... در مدت تعویق مراقبتی (یعنی علاوه بر تعویق ساده که مرتکب به طور کتبی متعهد می گردد، در مدت تعیین شده به وسیله ای، مرتکب جرمی نشود و از نحوه رفتار وی پیش‌بینی شود که در آینده نیز مرتکب جرم نمی شود، مرتکب متعهد می گردد دستورها و تدابیر مقرر شده به وسیله دادگاه را در مدت تعویق رعایت کند یا به موقع اجراء گذارد)، با هدف کاربردی در نظر گرفته شده است.

ماده ۵۸ از فصل هشتم (نظام آزادی مشروط) قانون مجازات اسلامی

در مورد محکومیت به حبس تعزیری، دادگاه صادر کننده حکم می تواند در مورد محکومان به حبس بیش از ده سال پس از تحمل نصف و در سایر موارد پس از تحمل یک- سوم مدت مجازات به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام با رعایت شرایط زیر حکم به آزادی مشروط را صادر کند:

الف - محکوم در مدت اجرای مجازات همواره از خود حسن اخلاق و رفتار نشان دهد.

ب- حالات و رفتار محکوم نشان دهد که پس از آزادی، دیگر مرتکب جرمی نمی شود.

پ- به تشخیص دادگاه محکوم تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیان مورد حکم یا مورد موافقت مدعی خصوصی را بپردازد یا قراری برای پرداخت آن ترتیب دهد.

ت- محکوم پیش از آن از آزادی مشروط استفاده نکرده باشد.

انقضای مواعد فوق و همچنین مراتب مذکور در بندهای (الف) و (ب) این ماده پس از گزارش رئیس زندان محل به تأیید قاضی اجرای احکام می رسد. قاضی اجرای احکام موظف است مواعد مقرر و وضعیت زندانی را درباره تحقق شرایط مذکور بررسی و در صورت احراز آن، پیشنهاد آزادی مشروط را به دادگاه تقدیم نماید.

در این ماده از قانون به داشتن اخلاق نیکو جهت تخفیف در مجازات اهمیت بسیار دادند که البته صحت و سقم این امر باید مورد تأیید رییس زندان محل گذران محکومیت و قاضی ناظر زندان یا رییس حوزه قضایی محل واقع شود و ملاحظه می شود که قوانین مصوب در نظام جمهوری اسلامی ایران، برای اخلاق ارزش خاصی قائل هستند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی

درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می‌شوند و سن آنها در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می کند:

الف- تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با أخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان.

تبصره- هرگاه دادگاه مصلحت بداند می تواند حسب مورد از اشخاص مذکور در این بند تعهد به انجام اموری از قبیل موارد ذیل و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر را نیز أخذ نماید:

۱- معرفی‌طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روان‌شناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان.

۲- فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه آموزی.

۳- اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک.

۴- جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه.

۵- جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محلهای معین.

ب- تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند با الزام به انجام دستورهای مذکور دربند (الف) در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا عدم دسترسی به آنها با رعایت مقررات ماده (۱۱۷۳قانون مدنی).

تبصره- تسلیم طفل به اشخاص واجد صلاحیت منوط به قبول آنان است.

پ- نصیحت به وسیله قاضی دادگاه.

ت- اخطار و تذکر و یا أخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم.

ث- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرائم تعزیری درجه یک تا پنج.

تبصره ۱- تصمیمات مذکور در بندهای (ت) و (ث) فقط درباره اطفال و نوجوانان دوازده تا پانزده سال قابل اجراء است. اعمال مقررات بند (ث) در مورد اطفال و نوجوانانی که جرائم موجب تعزیر درجه یک تا پنج را مرتکب شده‌اند، الزامی است.

تبصره ۲- هرگاه نابالغ مرتکب یکی از جرائم موجب حد یا قصاص گردد، درصورتی که از

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد، بـه یکـی از اقـدامات مقـرر در بنـدهای (ت) و یـا (ث) محکوم می شود و در غیراین صورت یکی از اقدامات مقرر در بندهای (الف) تا (پ) این مـاده در مورد آنها اتخاذ می گردد.

تبصره ۳- درمورد تصمیمات مورد اشاره در بندهای (الف) و (ب) این ماده، دادگـاه اطفـال و نوجوانان می تواند با توجه به تحقیقات به عمل آمده و همچنین گزارشهای مددکاران اجتمـاعی از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او، هر چند بار که مصـلحت طفـل یـا نوجـوان اقتضـاء کنـد، در تصمیم خود تجدیدنظر نماید.

در این ماده از قانون واژه اخلاق را صرفاً برای مجرمان بین سنین ۹ تا ۱۵ تمام شمسی بـه کار برده و مورد اهمیت قرار داده است. باز گرداندن این مجرمان بـه کـانون خـانواده را بـا اخـذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان می داند.

با توجه به قوانین بالا ملاحظه می شود که اخلاق مفهـوم بسـیار گسـترده ای را در بـر مـی گیرد، اخلاقی که در زمینه کار است یک معنی دارد، اخلاق در هر ماده از قانون بـه منظورهـای مختلف به کار رفته ولی هدف یکی است و آن در حسن اخلاق داشـتن و از دسـت نـرفتن پایـه های اخلاق در درون افراد خلاصه می شود. اخلاق پسندیده و نیکـو داشـتن در همـه امـور مـی تواند منجر به پیشرفت و توسعه شود. اگر نفع طلبی و سـود جـویی هـای شخصـی نباشـد، اگـر افراط و تفریط وجود نداشته باشد، می تواند در ترقی و پیشـرفت جامعـه مـؤثر واقـع شـود؛ امـا ملاحظه می شود که با پیچیده شدن روابط اجتماعی، مبادلات و معاملات روزمره، نفع طلبـی و سودجویی روز به روز در حال افزایش است و باید اخلاق در همه زمینه ها در زنـدگی اجتمـاعی فرا گرفته شود، در غیر این صورت جامعه از مسیر اصلی خود منحرف می شـود و بـا زوال پایـه های اخلاقی روبرو می شود.

۲-۵. اخلاق در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی عالی‌ترین سند حقوقی یک کشور و راهنمایی بـرای تنظـیم قـوانین دیگـر اسـت. قانون اساسی تعریف کنندهٔ اصول سیاسـی، سـاختار، سلسـله مراتـب، جایگـاه، و حـدود قـدرت سیاسی دولت یک کشور، و تعیین و تضمین کنندهٔ حقوق شهروندان کشور اسـت. هـیچ قـانونی نباید با قانون اساسی مغایرت داشته باشد.[۱]

در مقدمه این قانون تصویب ۴ اردیبهشت ۱۳۸۵ آمده است:

۱. الهامی، داود (۱۳۹۰).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

"قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می باشد. ماهیت انقلاب عظیم اسلامی ایران و روند مبارزه مردم مسلمان از ابتدا تا پیروزی که در شعارهای قاطع و کوبنده همه قشرهای مردم تبلور می یافت، این خواست اساسی را مشخص کرده و اکنون این پیروزی بزرگ ملت ما با تمام وجود نیل به آن را می طلبد".

حکومت از دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی هم کیش و هم فکر است که به خود سازمان می دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید. ملت ما در جریان تکامل انقلابی خود از غبارها و زنگارهای طاغوتی زدوده شد و از آمیزه‌های فکری بیگانه خود را پاک نمود و به مواضع فکری و جهان بینی اصیل اسلامی بازگشت، اکنون بر آن است که با موازین اسلامی جامعه نمونه (اسوه) خود را بنا کند. بر چنین پایه‌ای، رسالت قانون اساسی این است که زمینه‌های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد و شرایطی را به وجود آورد که در آن انسان با ارزش‌های والا و جهانشمول اسلامی پرورش یابد.

قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند؛ بویژه در گسترش روابط بین‌المللی، با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی راهموار کند. «ان هذه امتکم امۀ واحدۀ وانا ربکم فاعبدون»[1] و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد. با توجه به ماهیت این نهضت بزرگ، قانون اساسی تضمین‌گر نفی هر گونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می‌باشد و در خط گسستن از سیستم استبدادی، و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند؛ «ویضع عنهم اصرهم والاغلال التی کانت علیهم»[2]. در ایجاد نهادها و بنیادهای سیاسی که خود پایه تشکیل جامعه است، بر اساس تلقی مکتبی، صالحان عهده‌دار حکومت و اداره مملکت می‌گردند: «ان الارض یرثها عبادی الصالحون»[3] و قانونگذاری که مبین ضابطه‌های مدیریت اجتماعی است، بر مدار قرآن و سنت، جریان می‌یابد. بنابراین نظارت دقیق و جدی از

۱. سوره انبیاء (آیه ۹۲): همانا این است ملت شما ملتی یگانه و منم پروردگار شما پس مرا بپرستید.
۲. سوره اعراف (آیه ۱۵۷): و بنهد از ایشان بارشان و آن زنجیرهائی را که برایشان بوده است.
۳. سوره انبیاء (آیه ۱۰۵): این زمین را بندگان صالح من به میراث خواهند برد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

ناحیه اسلام شناسان عادل و پرهیزگار و متعهد (فقای عادل) امری محتوم و ضروری است و چون هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است؛ «والی‌الله المصیر»[1] تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خود گونگی انسان فراهم آید «تخلقوا باخلاق الله»؛ و این جز در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نمی تواند باشد.

با توجه به این جهت، قانون اساسی زمینه چنین مشارکتی را در تمام مراحل تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سرنوشت‌ساز برای همه افراد اجتماع فراهم می سازد تا در مسیر تکامل انسان هر فردی خود دست اندرکار و مسؤول رشد و ارتقاء و رهبری گردد که این همان تحقق حکومت مستضعفین در زمین خواهد بود: «و نرید ان نمن علی‌الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمهٔ ونجعلهم الوارثین».[2]

بررسی مفهوم اخلاق در **اصول سوم، دهم، چهاردهم و صد و بیست و یکم** قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب۴ اردیبهشت ۱۳۵۸ (بدون اصلاحیه):

اصل سوم: دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم (از جمله ایمان به خدا و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر او، وحی الهی، معاد، عدل، امامت و رهبری مستمر، کرامت و ارزش والای انسان و آزادی)، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

۱- ایجاد محیط مساعد برای رشد **فضایل اخلاقی** بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی.

۲- بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی و وسایل دیگر.

۳- آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح، و تسهیل و تعمیم آموزش عالی.

۴- تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان.

۵- طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب.

---

۱. سوره نور (آیه ۴۲): و بازگشت همگان نزد اوست.

۲. سوره قصص (آیه ۵): و خواهیم منت نهیم بر آنان که ناتوان شمرده شدند در زمین و بگردانیم‌شان پیشوایانی و بگردانیم‌شان ارث برندگان.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

۶- محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی.
۷- تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون.
۸- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.
۹- رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های مادی و معنوی.
۱۰- ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور.
۱۱- تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور.
۱۲- پی ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه برطبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه.
۱۳- تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت وکشاورزی و امور نظامی و مانند اینها.
۱۴- تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.
۱۵- توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم.
۱۶- تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان.

اصل دهم: از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه **حقوق و اخلاق** اسلامی باشد.

اصل چهاردهم: به حکم آیه شریفه "لاینهاکم الله عن الدین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین"[1]، دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با **اخلاق حسنه** و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.

اصل یکصد و بیست و یکم :رئیس جمهور در مجلس شورای اسلامی در جلسه ای که با حضور رئیس قوه قضائیه و اعضای شورای نگهبان تشکیل می شود به ترتیب زیر سوگند یاد می کند و سوگندنامه را امضاء می نماید.

---

۱. سوره ممتحنه (آیه ۸): باز ندارد شما را از آنان که جنگ با شما نکردند در دین و برون نراندند شما را از خانه های خویش که نیکی کنید با آنان و از در دادگری با آنان در آئید، همانا خدا دادگران را دوست دارد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

بسم الله الرحمن الرحیم

"من به عنوان رئیس جمهور در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر متعال سوگند یاد می کنم که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشم و همه استعداد و صلاحیت خویش را در راه ایفای مسؤولیت‌هایی که بر عهده گرفته ام، به کار گیرم و خود را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازم و از هر گونه خودکامگی بپرهیزم و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کنم. در حراست از مرزها و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور از هیچ اقدامی دریغ نورزم و با استعانت از خداوند و پیروی از پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم السلام قدرتی را که ملت به عنوان امانتی مقدس به من سپرده است، همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشم و آن را به منتخب ملت پس از خود بسپارم".

در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان سند عالی کشور، توجه به اخلاق و ارزش های اخلاقی در بطن آن ماده موجود است اما لمس این مفهوم در اصول ۳، ۱۰، ۱۴ و ۱۲۱ بیشتر احساس می شود. با توجه به ماده های ۳،۱۰،۱۴ و ۱۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می توان بر داشت کرد که قانون اساسی ارتباط دین و اخلاق را بسیار مورد توجه قرار داده است .

در جمهوری اسلامی ایران قانونگذار پیوند قانون را با شرع و اخلاق به گونه ای ترسیم کرده است تا رسالت دولت در اجرای قانون در قالب مسؤولیتی الهی تفویض گردد. در چنین فضایی عمل به قانون مجرد از اخلاق و فارغ از وجدان ارزش تلقی نمی شود. از افراد انتظار می رود قانون را با درک ارزش های نهفته در آن متابعت کنند. همهٔ آنچه حقوق شهروندی یا نظم عمومی خوانده می شود، در عین برخورداری از احترام، در نهایت به ارزش های والای انسانی متکی است. دولت پناهگاه وجدان عمومی است و الگوی همراهی قانون با اخلاق.[۱]

۶. اخلاق، اقتصاد و قانون

در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل: رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست نه همچون دیگر نظام‌های اقتصادی تمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی، زیرا که در مکاتب مادی، اقتصاد خود هدف است و بدین جهت در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می شود؛ ولی در اسلام اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جز کارآیی بهتر در راه وصول به

۱. افتخاری، رضا (۱۳۹۱).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

هدف نمی توان داشت.

با این دیدگاه برنامه اقتصادی اسلامی فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی است و بدین جهت تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او بر عهده حکومت اسلامی است[۱].

عوامل مختلفی به عنوان مبنا برای قضاوت در زمینه اخلاق افراد مد نظر قرارمی گیرد:

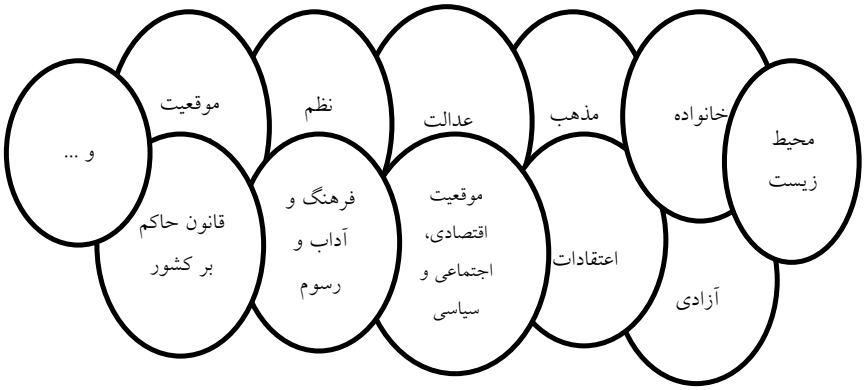

در این قسمت لازم است اشتراکاتی در زمینه ارتباط اخلاق، اقتصاد و قانون مطرح شود:

- اقتصاد علمی است که به مطالعه رفتار انسانها می پردازد و اخلاق یک چیز درونی و شخصی است و قانون تعیین کننده رفتار اجتماعی افراد جامعه است. این سه مقوله کنار هم، مکمل یکدیگرند، چرا که هر سه با رفتار انسانها در ارتباط هستند.
- اخلاق آن چیزی است که از درون افراد سرچشمه می گیرد. بر اساس تعریفی که افلاطون از اخلاق ارائه کرده (اخلاق یعنی عدالت). عدالت، انصاف و این مقوله های مرتبط به هم در درون هر شخص وجود دارد و هر شخص با توجه به درک و موقعیت خود واکنش نشان می دهد. قانون به رفتار افراد در اجتماع نظم می بخشد.
- اقتصاد اسلامی قوانین، نظریات و نهادها و الگوهای مورد پذیرش شریعت اسلام را ارائه می

۱. مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۱).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

دهد که باید مطابق با دستورات اسلام باشد و قانون ارائه شده در هر کشور اسلامی نیز باید با آن مطابقت داشته باشد؛ چرا که هدف برقراری عدالت اجتماعی در تمامی عرصه هاست که این عدالت خود با اخلاق افراد در ارتباط است.

- هم اقتصاد، هم اخلاق و هم قانون، باید ها و نبایدهایی را برای فرد تعیین می کنند و منجر به این می شوند، که رفتارهای فرد در اجتماع را تحت تأثیر قرار دهد، چرا که قانون افراد را مسؤولیت پذیر می کند.

آمارتیاسن برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۹۸ معتقد است: فرصت طلبی در عموم روابط اقتصادی زمینه بروز دارد و ویرانگر است، در مبادله یک پزشک با بیمار، استاد با دانشجو، دو بازرگان با یکدیگر، دو شرکت و ... نفع شخصی می تواند به شکل فرصت طلبی تجلی یابد. برای جلوگیری از فرصت طلبی به بی نهایت قانون و ناظر نیاز است و تنها ارزش های اخلاقی می تواند این دور باطل را پایان دهد. علاوه بر مبادلات اقتصادی، لذا برای حفظ محیط زیست، آزادی، عدالت و نظم جهانی به ارزش اخلاقی مشترک نیاز داریم (میدری، ۸:۱۳۸۶).

اگرقانون، اخلاق و اقتصاد در کنار یکدیگر قرار گیرند، می توانند برای یک کشور سرنوشت ساز باشد و منجر به کارآیی نظام شوند. رعایت اصول اخلاقی مطابق با دستورات دین اسلام و قانون جمهوری اسلامی ایران توسعه و پیشرفت را برای کشور ایجاد خواهد کرد، چرا که اگر همه از یک رویه پیروی کنند و همه به یک سمت و سو حرکت کنند، جامعه می تواند مسیر رو به رشدی را داشته باشد.

مطابق با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اقتصاد وسیله است[۱]، هدف باید برقراری عدالت، انصاف و ارزش های اخلاقی در امور اجتماعی و کار باشد.

جمع بندی و نتیجه گیری

جامعه بشری امروز با مشکلات و مسائل بغرنج مواجه است که معلول زیاده خواهی های بشر در امور مادی است. کنترل رفتارهای پیچیده اقتصادی انسان، احتیاج به قانون و نهادهای مربوط دارد. آنچه در گذشته در زمینه ارتباط میان اخلاق و اقتصاد بوده، تنها با حوزه مبادلات و معاملات ساده ارتباط داشته است.

در این پژوهش اخلاق در حوزه اقتصاد و سیاست (قانون) مورد بررسی قرار گرفت. آنچه از نتایج مطالعه حاصل شده، اهمیت اخلاق درسه حوزه اقتصاد، اقتصاد اسلامی و قانون جمهوری

۱. مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۴ اردیبهشت ۱۳۵۸.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

اسلامی ایران است.

ماده ۸۴ قانون کار جمهوری اسلامی ایران به امر اخلاق در کار اهمیت زیادی قائل است و سن کاری را برای سلامتی و اخلاق کارآموزان ضروری می داند. همچنین مطابق مواد: ۵۸، ۴۳ و ۸۸ قانون مجازات اسلامی، امر اخلاق را در نحوه برخورد با مجرمان، مد نظر قرارداده است. همچنین در ماده ۴۳ این قانون از مفهوم اخلاق در جهت کاربردی استفاده شده که هدف گذراندن دوره های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی و ورزشی است. در ماده ۵۸ یکی از شروط آزادی مجرم را نشان دادن حسن اخلاق تلقی می کند و در ماده ۸۸ تسلیم مجرمان تعزیری را با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان می داند.

در اصول مختلف قانون اساسی توجه به مفهوم اخلاق مشاهده می شود ولی در اصول ۳، ۱۰، ۱۴ و ۱۲۱ به این مفهوم به وضوح اشاره شده است، در اصل۳، عنوان شده که دولت جمهور اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف اصل دوم (ایمان به خدا، وحی الهی، معاد، عدل خدا، امامت و رهبری، کرامت و ...) این قانون، همه امکانات خود را برای اموری که یکی از موارد آن: ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی هست، به کار برد.

در اصل دهم این قانون نیز عنوان شده که: خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی‌های مربوطه باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد. همچنین دراصل ۱۴ این قانون آمده است که، دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.

در جمهوری اسلامی ایران قانونگذار پیوند قانون را با شرع و اخلاق به گونه ای ترسیم کرده است تا رسالت دولت در اجرای قانون در قالب مسؤولیتی الهی تفویض گردد. در چنین فضایی عمل به قانون مجرد از اخلاق و فارغ از وجدان ارزش تلقی نمی شود.[۱]

با توجه به پژوهش انجام شده می توان به کاربرد این واژه و اهمیت آن در قوانین جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد. اگر فضای جامعه به گونه ای در میان اعضای آن تدوین شود که توجه افراد جامعه را به اخلاق و ارتباط آن با اقتصاد و قانون جلب کند، گام مؤثری در زمینه توسعه و

۱. افتخاری، رضا (۱۳۹۱).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

پیشرفت کشور برداشته می شود. از آنجا که هدف ما در اینجا تنها بررسی مفهوم اخلاق در - قوانین کشور بود، لذا اخلاق درهر کشور تابع فرهنگ، اعتقادات، خانواده و محیط خارج از آن و عوامل دیگری است که می تواند درنوشتن قانون آن کشور و حتی نحوه امرار معاش افراد جامعه اثر گذار باشد.

در جامعه اسلامی ایران اخلاق و دین ارتباط قوی با یکدیگر دارند که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز این پیوند قوی لحاظ شده است. اهمیت اخلاق، کاربرد آن و ارتباطش با بسیاری نهادها و علوم مختلف می تواند نشانی از گستردگی و پیچیده بودن آن باشد و زمینه پژوهش بیشتر را در حوزه اخلاق و ارتباطش با نهادها و علوم مختلف ایجاد نماید. پیشنهادات حاصل ازاین پژوهش با امید به اینکه نتایج حاصل از این پژوهش بتواند راهگشای پژوهش های دیگر در زمینه پیوند اخلاق، اقتصاد و قانون باشد؛ به صورت زیر است:

۱- مقایسه اخلاق در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و کشورهای دیگر.

۲- مقایسه مفهوم اخلاق در قوانین کشورهای اسلامی.

۳- بررسی ارتباط اخلاق و دین در قوانین مختلف جمهوری اسلامی ایران.

۴- بررسی اهمیت اقتصاد و قانون در قوانین جمهوری اسلامی ایران.

۵- بررسی قواعد فقهی اقتصاد اسلامی و ارتباط آن با قانون جمهوری اسلامی ایران.

منابع

۱.الوی، جیمز، تاریخچه ای از علم اقتصاد در جایگاه اخلاقیات، ترجمه علی نعمتی.

۲.الهامی، داود (۱۳۹۰)، اولویت اخلاق در اقتصاد اسلامی، مجله درسهایی از مکتب اسلام، ش ۴۳۵.

۳.سن، آمارتیا (۱۳۸۶)، نیاز اقتصاد به ارزش های اخلاقی، ترجمه میدری، احمد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی دین و اقتصاد، سال ۲، ش ۵ و۶.

۴.افضل زاده نائینی، مریم، اخلاق و اقتصاد اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره) با تأکید بر نظریات امام محمد باقر صدر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، صص ۲۵-۲۴.

۵.ایمان دوست (۱۳۸۷)، نقش آموزه های اخلاقی مورد حمایت اسلام در فرایند توسعه اقتصادی، همایش اقتصاد اسلامی و توسعه.

۶. تفضلی، فریدون (۱۳۸۸)، تاریخ عقاید اقتصادی از افلاطون تا دوره معاصر، نشر نی، چاپ نهم.

۷. تفضلی، فریدون (۱۳۸۴)، اقتصاد کلان، نظریه ها و سیاست های اقتصادی، نشر نی، چاپ

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

پانزدهم.
۸. جعفری (۱۳۹۰)، بررسی اخلاق کار و اقتصاد از دیدگاه قرآن و احادیث، چهارمین همایش ملی قرآن کریم سفینهٔ النجاه عصر.
۹. چپرا، عمر (۱۳۸۵)، آینده علم اقتصاد (چشم انداز اقتصادی)، ترجمه شعبانی، احمد، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.
۱۰. حمدیه، مصطفی (۱۳۸۰)، اخلاق اقتصادی امام خمینی (ره)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۲۷، صص ۱۲-۱۰.
۱۱. قراملکی، احد فرامرز، اندر نسبت قانون و اخلاق، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی آیین، بیست وچهار و پنج، صص ۲۹-۲۷.
۱۲. فرزانه، حسن (۱۳۷۸)، اخلاق افلاطون تا اخلاق و اقتصاد کنونی ما، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۱۰۷، صص ۲۷-۲۴.
۱۳. دادگر، یدالله (۱۳۸۳)، ظرفیت ها و چالش های اجرای اقتصاد اسلامی، فصلنامه بررسیهای اقتصادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوره ۱، ش ۳، صص ۲۵-۵.
۱۴. دادگر، یدالله (۱۳۸۴)، چالشها و عناصر اصلی در پردازش و سنجش نظریه اقتصاد اسلامی، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۱۶، صص ۲۵-۱.
۱۵. دلاور، پروانه (۱۳۹۱)، اخلاق اقتصادی در پرتو قرآن و عترت، همایش منطقه ای اخلاق اجتماعی از منظر قرآن و عترت.
۱۶. ساسانفر، عباس، ارتباط اخلاق و قانون، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، صص ۷۱-۶۸.
۱۷. صادقی نیری، رقیه، حافظی، پروین (۱۳۹۰)، اخلاق جهاد اقتصادی اسلامی در دانشگاه، چهارمین همایش ملی قرآن کریم سفینه النجاه عصر.
۱۸. صفایی، لاله (۱۳۹۰)، اخلاق اسلامی لازمه پیشرفت اقتصادی، چهارمین همایش ملی قرآن کریم سفینه النجاه عصر.
۱۹. صلاحی، عسگر، نوزادحور، پیام (۱۳۹۱)، جهاد اقتصادی در قابوسنامه و مقایسه آن با گلستان و اخلاق ناصری، اولین همایش منطقه ای قابوسنامه.
۲۰. طباطبائی، علی محمد، آیا اخلاق و قانونی متضادند؟، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، صص ۳۴-۳۱.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

۲۱. عمید، حسن (۱۳۷۷)، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیرکبیر، چاپ دهم.
۲۲. کرمی، محمد مهدی، پورمند، محمد (۱۳۸۵)، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، انتشارات سمت، چاپ هفتم.
۲۳. کمالان، مهدی (۱۳۹۱)، مجموعه قوانین ترکیبی (۱)، انتشارات کمالان، چاپ دوم.
۲۴. مافی، فرزانه، طباطبایی یزدی، رویا (۱۳۸۹)، ارزش اخلاق، ارزش اقتصاد، هفته نامه خبری، تحلیلی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ش ۳۰۶، سال نهم.
۲۵. متوسلی، محمود (۱۳۸۹)، توسعه اقتصادی، مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهاد گراییی و روش شناسی، انتشارات سمت، چاپ چهارم.
۲۶. مصطفوی، محمد حسن (۱۳۸۹)، اقتصاد، توسعه و اخلاق با نگاهی به آموزه های اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۲۱، صص ۹۱-۶۶.
۲۷. مطهری، مرتضی (۱۳۵۸)، نظری به نظام اقتصادی اسلام، انتشارات صدرا، چاپ سیزدهم.
۲۸. مطهری، مرتضی، بررسی نظریه افلاطون در باب اخلاق، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، صص ۲۱-۲۰، ش ۱۳.
۲۹. معصومی نیا، غلام علی (۱۳۸۶)، اخلاق اقتصادی"مبانی بینشی ،آموزه ها و آثار"، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال ۷، ش ۲۶، صص ۱۴۸-۱۱۹.
۳۰. منصف و منصوری (۱۳۸۷)، نقش اخلاق در توسعه بنگاه های اقتصادی، اولین همایش ملی توسعه فعالیت های اقتصادی.
۳۱. منصور، جهانگیر (۱۳۹۲)، قانون جدید مجازات اسلامی فنشر دوران، چاپ صد و چهارم.
۳۲. منصور، جهانگیر (۱۳۹۲)، قانون کار جمهوری اسلامی ایران، نشر دوران، چاپ هفتاد و دوم.
۳۳. موسوی، سید محمد رضا، کریمی، محبوبه، دارابی منش، مریم (۱۳۹۰)، چهارمین همایش ملی قرآن کریم سفینه النجاه عصر.
۳۴. وب سایت خبری فرهنگ نیوز، سخنرانی دکتر حسن رحیم پور ازغدی، ش ۳۴۵۲۳، ۹۲/۲/۱۷.
۳۵. وصالی، سعید، امیدی، رضا (۱۳۹۱)، رابطه اخلاق، اقتصاد و رفاه اجتماعی، فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال ۱۴، ش ۱۲.

36.Ahmad, Habib (2002), The Theorical Foundations Of Islamic Economics; The Eslamic Development bank, Islamic Research AND TRANING INSTITUTE, No. 3.
37.Jalil, Alireza (2012), The Ethics Of Tax Evasion :An Islamic Perspective:

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

167-199.
38. Khaf, Monzer (1986), Islamic Economics, Nots On Difinition And Methodology.
39. Lanning, W. (1997), LAW and ETHICS; CONTINUING PSYCHOLOGY EDUCATION.
40. Sheppard, Steve, Law, Ethics And Justic; The University Of Arkansas, UNESCO - EOLSS.
41. Suahib, Abdul Quddus, Business Ethics in Islamic and Economic perspective.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]